بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور
WWW.KONKUR.INFO

https://konkur.info

درس اول پایه دوازدهم

واژه نامه

أحْضَرَ: آورد، حاضر کرد

اَلأصنام: بتها «مفرد: اَلصَّنَم»

أعانَ:یاری

کرد(مضارع:یُعینُ/امر:أعِن)

أعِنّی:مرا یاری کن

أقِمْ وَجْهَکَ: روی بیاور

(ماضی: أقامَ / مضارع: یُقیمُ)

أنِر:روشن کن(أنارَ یُنیرُ)

الإنشِراح:شادمانی

الأنشودَة:سرود(جمع:الأناشید)

بَدَؤوا یَتَهامَسونَ: شروع به پچ پچ کردند

(ماضی: تَهامَسَ / مضارع: یَتَهامَسُ)

البَسَمات:لبخندها(مفرد:البَسمَة)

البَعث:رستاخیز

البُنیان المَرصوص:ساختمان استوار

اَلتَّجَنُّب: دوری کردن

(ماضی: تَجَنَّبَ / مضارع: یَتَجَنَّبُ)

حَرَّقَ: سوزانْد

الحَظّ:بخت(جمع:الحُظوظ)

حَمَّلَ:تحمیل کرد

حَمی:حمایت

کرد(یَحمِی/امر:اِحمِ)

اِحمِنِی:از من حمایت کن

اَلْحَنیف: یکتاپرست

الدّاء: بیماری=المَرَض

اَلسُّدی: بیهوده و پوچ

السَّلام:صلح،آشتی

سِوی:به جز

اَلسّیرَة: روش و کردار، سرگذشت

اَلشَّعائِر: مراسم

اَلصِّراع: کشمکش = اَلنِزاع ≠ اَلسِّلم

الطّین:گل

العَصَب:پی

العَظم:استخوان(جمع:العِظام)

عقَلَ:خرد ورزی کرد

عَلَّقَ: آویخت

اَلْفَأس: تبر «جمع: اَلْفُؤوس»

اَلْقَرابین: قربانی‌ها «مفرد: اَلْقُربان»

القرآن:خواندن

قیلَ:گفته شد

اَلْکَتِف، اَلْکِتْف: شانه «جمع: اَلْأکتاف»

کَسَّرَ: شکست

لاتَکونَنَّ: هرگز نباش «لا تَکُنْ: نباش + حرف تأکید ـَنَّ» ← (ماضی: کانَ / مضارع: یَکونُ)

ما یَلِی:آنچه می آید

المُجیب:برآورنده

المَفسَدَة:مایه تباهی

اَلنَّقوش: کنده‌کاری‌ها، نگاره‌ها «مفرد: اَلنَّقْش»

الحروفُ المشبّهة بِالفِعل

https://konkur.info

حروف مشبّهة بالفعل حروفی هستند که بر سر جمله اسمیه وارد می شوند و در معنا تغییراتی ایجاد می کنند.

الفَخر بالأدَب ← الفَخرَ بالأدَبِ

افتخار به ادب است ← انا افتخار به ادب است.

به جدول زیر دقت کنید:

حروف مشبّهة بالفعل	مثال	ترجمه
إنَّ:قطعاً،همانا،به درستی که،بی گمان	إنَّ بَعضَ الظَّنِّ إثمٌ	همانا بعضی گمانها گناه است.
أنَّ:که	لا تَحسَب أنَّ النّجاحَ يَنزِلُ مِنَ السَّماءِ جاهِزاً	مپندار که موفّقیّت از آسمان آماده فرود می آید.
كَأنَّ:گویی،مانند	كَأنَّ إرضاءَ النّاسِ غايَةٌ لا تُدرَك	گویا خشنود داشتن همه مردم هدفی است که به دست نمی آید
لكِنَّ:ولی،امّا	لكنَّ الناسَ أنفسهم يظلِمونَ	امّا مردم خود بر خویشتن ستم می کنند
لَيتَ:کاش یا لَيتَ:ای کاش	لَيتَ النّاسَ يَتّحِدونَ	کاش مردم متحد شوند.
لَعَلَّ:شاید ،امید است	لَعَلَّ المُذنِبَ يَتوبُ إلى رَبِّه	شاید گنهکار به سوی پروردگارش توبه کند.

چند نکته

۱-میتوان «إنَّ» را در جمله ترجمه نکرد.

مثال:

إنَّ النَّملَ حَشَرَةٌ صَغيرةٌ

مورچه حشره کوچکی است.

https://konkur.info

۲- فعل مضارع بعد از لَیتَ و لَعَلَّ را مضارع التزامی ترجمه می کنیم.

مثال:

لَیتَ الأغنیاءَ یُنفِقونَ المالَ علی الفُقَراءِ:کاش ثروتمندان بر فقیران مال انفاق کنند.

لَعَلَّ شبابَنا یَنجَحونَ في المسابَقاتِ العلمیَّةِ:امید است که جوانانمان در مسابقات علمی موفق بشوند.

۳-فعل ماضی بعد از لَیتَ را با توجه به سیاق جمله ماضی استمراری یا ماضی بعید ترجمه می کنیم.

مثال:

لَیتَ الطالِبَ أدرَکَ قِیمَةَ الوَقت: کاش دانش آموز قدر وقت را می دانست.(یا دانسته بود)

بیشتر بدانیم:

زمانی که به إنَّ،«ما»متصل شود در اینصورت معنای حصر پیدا کرده و (فقط ، تنها) ترجمه میشود.

مثال:

وَ مَن یَشکُر فَإنّما یشکرُ لِنَفسِه

هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر می کند.

إنَّما الفَخرُ لِعَقلٍ ثابِتٍ

افتخار فقط به اندیشه ای ثابت است.

لا النافیةُ لِلجِنسِ

قبل از معرفی لای نفی جنس،مروری بر انواع لا داشته باشیم:

انواع لا

نوع لا	کاربرد	مثال	ترجمه
۱-لای جواب	بعد از جملات سؤالی با هَل یا أ	هَل یُحِبُّ الناسُ الإنسانَ الکاذِبَ؟ لا	آیا مردم،شخص دروغگو را دوست دارند؟ نه

https://konkur.info

۲-لای نفی مضارع	قبل از فعل مضارع آمده آن را منفی میکند و تأثیری در ظاهر فعل ایجاد نمی کند.	لا یَعلَمُها أحَدٌ إلّا اللهَ	آن را احدی جز خداوند نمی داند.
۳-لای نهی	قبل از فعل مضارع آمده،در انتهای آن تغییر ایجاد می کند.	لا تَطلُبوا العِزَّةَ فی المال	سربلندی را در مال طلب نکنید.
۴-لای نفی جنس	قبل از اسم نکره(فتحه دار و بدون تنوین)آمده و به معنای «هیچ» است.	لا عَمَلَ کالتحقیق	هیچ کاری همچون تحقیق نیست.

نکته:

اگر بعد از لای نهی فعل اول شخص یا سوم شخص مفرد یا جمع بیاید(غایب ها یا متکلم ها)در ترجمه آن،«نباید»می آوریم و به صورت مضارع التزامی ترجمه می کنیم.

لا یَتَّخِذِ المؤمِنونَ الکافِرینَ أولیاءَ

نباید مؤمنان،کافران را به دوستی بگیرند.

ویژگیهای لای نفی جنس

۱-لای نفی جنس	۱-بر سر جمله اسمیه می آید
۲-اسم بعد ازآن	۲-نکره (بدون ال)
۳-حرکت اسم بعد	۳-فتحه می گیرد بدون تنوین
۴-معنای آن	۴-هیچ.....نیست

مثال:

لا فقرَ کالجَهل و لا میراثَ کالأدَب

هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی همچون ادب نیست.

https://konkur.info

۱ "یجب أن نسمح لأصدقائنا أن یطرحوا علینا مشاکل حیاتهم لعلّنا نستطیع آن نزیلها!":

۱) واجب است از دوستانمان بخواهیم که مشکلات زندگی را برای ما بیان کنند شاید بتوانیم آن‌ها را حل نماییم!

۲) ما به دوستان خود اجازه می‌دهیم که با مطرح کردن مشکلات زندگی خود با ما، بتوانیم آن‌ها را از بین ببریم!

۳) باید به دوستان خود اجازه دهیم مشکلات زندگی خود را با ما مطرح کنند شاید بتوانیم آن‌ها را برطرف کنیم!

۴) بر ما واجب است اجازهٔ مطرح کردن مشکلات را به دوستان خود بدهیم امید است که بتوانیم آن‌ها را زایل کنیم!

۲ "لیتنا ندرک جمال الطبیعة الّتی تتزیّن فی الرّبیع باللباس الأخضر حتّی نسبّح خالقها!":

۱) امید است که ما درک کنیم زیبایی طبیعت را که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود تا آفریدگارش تسبیح شود!

۲) کاش ما طبیعت زیبایی را که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود درک می‌کردیم و آفریدگارش را تسبیح می‌کردیم!

۳) ای‌کاش زیبایی طبیعتی را که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود درک کنیم تا آفریننده‌اش را تسبیح بگوییم!

۴) آرزوی ما درک کردن زیبایی طبیعتی است که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود تا بتوانیم خالقش را تسبیح کنیم!

۳ "لا غِنی کالعلم و لا شیءَ أضرّ من الجهل!":

۱) هیچ ثروتمندی همچون دانشمند نیست و هیچ‌چیزی از نادانی مضرتر نیست!

۲) ثروتی همچون دانش وجود ندارد و هیچ‌چیزی همچون نادانی آسیب نمی‌رساند!

۳) هیچ ثروتی همچون علم نیست و هیچ‌چیزی از نادانی مضرتر نیست!

۴) هیچ بی‌نیازی همچون علم نیست و هیچ‌چیزی همچون جهل ضرر نمی‌رساند!

۴ عَیِّن عبارةً لَیْسَ مِن الْأفعال النّاقصة.

۱) کان یمشی في مسالک عجیبة فوقعت عینه علی شجرة أجمل مِنْ کُلّ شيءٍ!

۲) عَلی الإنسان أَنْ یکون سائراً نحو الرشد و الکمال فإنَّهُ بِحاجةٍ إلی هذین الأمرین دائماً!

۳) إن تکن سریرتک و علانتیک لنا واحدة فأنت صدیقة لَنا!

۴) الطّبي کَأَنَّهُ حیوان شاعر یعرف الطبیعة و جمالها و یعشقها!

۵ عَیّن "لا" النّافیة لِلْجنس:

۱) الّذی لایعمل بجدّ لن یری النّجاح فی حیاتِهِ!

۲) تسلّمتُ علی صدیقی لا عَلی جمیع الحاضرین!

۳) یجب أَن نعترف بِأَنَّهُ لا نَفْع في مُجالَسَة الجهّال!

۴) إِنَّ أَخاهُ لایدرسُ في الْبَیْتِ، بَلْ في المدرسةِ!

۶ عيِّن الصّحيح:

۱) لعلّنا نُثبت قُدُراتنا للجميع مع تنافُس سليم!: امید است ما با رقابتی سالم توانمندی‌هایمان را بر همگان ثابت کنیم!

۲) ليتَنا نَعرِف قيمة الجوّ الصافي و نُساعد على تنقيته أكثر من هذا!: ای‌کاش ما ارزش هوای پاک را می‌شناختیم و بیشتر از این در حفظ آن می‌کوشیدیم!

۳) لاتقدُّم لِمَن ليسَ ساعياً في عمله و يُحاكي الآخرين دائماً!: آن‌که در کار خویش کوشا نیست و همیشه از دیگران تقلید می‌نماید، پیشرفت نمی‌کند!

۴) كأنّ الشّمس كرة مُلتهبة تحت قُبّة مرفوعة فوق رُؤوسنا!: انگار خورشید گوی فروزان در زیر گنبد برافراشتهٔ بالای سر ماست!

عَيِّن في كُلِّ مَجْموعةِ الكَلِمَةَ الغريبةَ.

۷

۱) كانَ ۲) صارَ

۳) كَأَنَّ ۴) لَيْسَ

۸ ما هُوَ الْمُناسِب لِلْفَراغات: "سُدىً - اَلْحَنيف - اَلْفَأْس - الصَّنم"

الف) لايَتْرُک اللهُ الْإنسان: .....

ب) التّارِکُ لِلْباطِلِ وَ الْمُتمايلُ إلى الدّينِ الْحَقِّ: .....

ج) آلةٌ ذاتُ يدٍ و سِنٍّ مِنَ الْحَديدِ يُقْطَعُ بِها: .....

د) تِمْثالٌ يُعْبَدُ مِنْ دونِ اللهِ: .....

۱) الف) سُدىً / ب) اَلْفَأس ۲) الف) سُدىً / ب) الصَّنم

۳) ب) اَلْحَنيف / د) الصَّنم ۴) ج) الصَّنم / الف) اَلْحَنيف

۹ (...لا عِلْمَ لَنا إلّا ما عَلَّمْتَنا...)

۱) فقط آنچه را که به ما یاد داده‌ای، دانش داریم. ۲) جز آنچه یاد گرفته‌ایم، هیچ دانشی برای ما نیست.

۳) جز آنچه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی برای ما نیست. ۴) جز دانشی که فراگرفته‌ایم، هیچ علم دیگری نداریم.

۱۰ (و لاتَسُبُّوا الّذينَ يَدْعونَ مِنْ دونِ اللهِ فَيَسُبُّو اللهَ...)

۱) و نباید به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام بدهید زیرا که آن‌ها به خدا دشنام دهند!

۲) و کسانی را که غیر خدا را فرامی‌خوانند دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند!

۳) و کسانی را که غیر خدا را فرامی‌خوانند نباید دشنام بدهید زیرا که به خدای شما دشنام می‌دهند!

۴) و کسانی را که غیر خدا فراخوانده‌اند مورد دشنام قرار ندهید تا خدای شما را دشنام ندهند!

۱۱ بَعْضُ التّجاربِ وَ إنْ كانَتْ قليلة ولكنَّها مفيدة لنا جدّاً!

۱) بعضی تجربه‌ها هرچند اندک باشند، ولی برای ما بسیار مفید هستند!

۲) بعضی تجربه‌ها اگرچه کم به نظر برسند، اما فواید زیادی برای ما دارند!

۳) برخی تجربیات که کم به نظر می‌رسند، برای ما فواید بی‌شماری دربردارند!

۴) برخی تجربیات با وجود اندک بودن، فایدهٔ آن‌ها برای ما بسیار زیاد خواهد بود!

۱۲ عيِّن الْخَطأ حَسَبَ الْحَقيقةِ.

۱) الصَّنَمُ و تِمْثالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حديدٍ!

۲) اَلْحَنيفُ هُو التّارِكُ لِلباطِلِ وَ الْمُتمايِلُ إلى الدّين الْحَقِّ!

۳) اَلرِّجلُ عُضوٌ مِنْ أَعْضاءِ الْجِسْمِ يَقعُ فَوْقَ الْجِذْعِ!

۴) اَلْفَأسُ آلةٌ ذاتُ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنٍّ عَريضةٍ مِنَ الحديد!

۱۳ عيِّن عبارةً ما جاءَ فيه جمع التّكسير.

۱) قَرأْتُ كثيراً مِنَ الْقِصص و الرّوايات عندما كُنْتُ صغيراً.

۲) أَظنُّ أَنَّ هؤلاء الرّجالَ يَجْتَهِدونَ فيما يقولونَ.

۳) هؤلاء الشّبابُ يُحاوِلونَ أَنْ يُحَقِّقوا أهدافَهم.

۴) نَحْنُ نُراقِبُ شُروقَ الشَّمسِ كُلَّ يَوْمٍ.

۱۴ عيِّن الخطأ عن نوع "لا" عَلى التّرتيب.

۱) لَمْ تَحْضَر أُختي في الضّيافةِ هَذه اللَّيلَة لِأَنَّ أُمّي لاتَسْمح لها بِالذّهاب إِلَيْها! ← النّافية

۲) الفريق الثاني فقد ذَهَبَ إلى أَنَّ أشعار الشّاعر يجب أن لاتأخذها على المعاني الظاهرية! ← النّافية

۳) جاء الإسلام يَطْلُبُ مِنَ المسلمينَ أَنْ لايعبدوا الْأَصنام و لايتفاخروا على الْفُقرآءِ ← النّاهية

۴) لاتَظْلم كما لاتُحِبّ أَنْ تُظلمَ و أَحْسِنْ كما تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إليك! ← النّاهية

۱۵ "ليتني كنت قد تعلّمت منک أن لاأحزن على كلّ أمر مكروه أُواجهه، و لو كان كبيراً!":

۱) كاش از تو آموخته بودم كه بر هر امر ناپسندی كه با آن مواجه می‌شوم غمگين نگردم، اگرچه بزرگ باشد!

۲) شايد از تو آموخته باشم كه به خاطر هر آنچه از ناپسندی‌ها به من برسد حتی اگر بزرگ باشد، ناراحت نباشم!

۳) كاش محزون‌نشدن را بر هر امر ناملايمی كه با من مواجه می‌شود از تو ياد می‌گرفتم، ولو بزرگ باشد!

۴) شايد غم نخوردن را برای آن ناخوشايندی كه به من خواهد رسيد باوجود بزرگ بودن، از تو بياموزم!

۱۶ عيّن "لا" النافية للجنس:

۱) فی هذه المدينة لاطبيب يعالج المرضى!

۲) لا أُحبّ أن أصبح طبيباً و لا معلّما!

۳) لا تكن كالّذين يبطلون صدقاتهم بالمنّ!

۴) لاتخالف كلام الحقّ فتكون عاقبتک الندامة!

۱۷ عيِّن الصّحيح في "لا" النّافية للجنس:

۱) كأنّنی لا فرصة لي الآن للمطالعة!

۲) المعلّم لايفرّق بين تلميذ و تلميذ آخر!

۳) لا بلوغاً للكسلان إلى أمانيه!

۴) هو انسان لايشعر بالخوف و اليأس!

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور
WWW.KONKUR.INFO

https://konkur.info